

## نقدی کوتاه بر دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر انتظامی سردفتران و

### دفتریاران

#### داریوش بایبی<sup>۱</sup>

همان‌گونه که همکاران محترم استحضار دارند، به منظور محاکمه انتظامی سردفتران و دفتریاران اسناد رسمی و سردفتران ازدواج و طلاق هر استان یک دادگاه بدوی، در اداره ثبت استان و برای تجدیدنظر احکام غیرقطعی دادگاه‌های بدوی دادگاه تجدیدنظر در سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تشکیل می‌شود.

#### دادگاه بدوی:

طبق ماده ۳۵ قانون ثبت دارای ۳ عضو اصلی و یک نفر عضو علی‌البدل می‌باشد که به شرح ذیل انتخاب می‌شوند:

- ۱ - یکی از رؤسای شعب مدنی دادگاه استان به انتخاب وزیر دادگستری
- ۲ - یکی از کارمندان مطلع ثبت استان به انتخاب رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور.

- ۳ - یکی از سردفتران مرکز استان به انتخاب کانون محل و در صورت عدم تشکیل

---

۱. کارشناس ارشد حقوق عمومی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس و معاون اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بندرعباس.

کانون در محل به انتخاب رئیس سازمان ثبت و اسناد و املاک کشور.

### دادگاه تجدیدنظر انتظامی:

حکم دادگاه بدوی انتظامی به متخلف و دادستان انتظامی ابلاغ می‌شود و در صورتی که حکم مورد اعتراض سردفتر یا دادستان باشد (در احکام محکومیت متخلف انتظامی که درجه ۳ و یا بالاتر از آن باشد) سردفتر می‌تواند ظرف مدت ده روز نسبت به آن به دادگاه تجدیدنظر اعتراض نماید. این اعتراض تقدیم دادگاه بدوی انتظامی می‌شود و دادگاه بدوی اعتراض سردفتر را به همراه پرونده مزبور به دادگاه تجدیدنظر انتظامی که مقر آن در مرکز (تهران) می‌باشد ارسال می‌نماید ضمناً مدت اعتراض دادستان به حکم صادره ده روز از تاریخ ابلاغ است. حال ممکن است سردفتر نتواند لایحه دفاعیه مدارک خود را به هر دلیلی ظرف مدت ده روز به دادگاه بدوی ارائه کند. البته این مهلت تا ده روز دیگر قابل تمدید است ولی اگر دادگاه با تمدید موافقت نکند آیا یک دادرسی عادلانه خواهیم داشت؟

همچنین می‌دانیم که دادگاه تجدیدنظر از اعضای ذیل تشکیل شده است:

۱ - یکی از رؤسای شعب یا مستشاران دیوان عالی کشور به انتخاب وزیر دادگستری

۲ - معاون سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در قسمت امور اسناد

۳ - یکی از اعضای کانون سردفتران به انتخاب کانون

همچنین اعضای دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر باید حداقل ۱۵ سال سابقه قضایی یا اداری یا سردفتری داشته باشند و سردفتر نباید محکومیت انتظامی درجه ۴ به بالا داشته باشند.

حال در یک بررسی و نقد منصفانه بر این دادگاه‌ها می‌توان به مواردی چنین اشاره کرد:

۱ - قانون مصوب سال ۱۳۵۴ سردفتران و دفتریاران با وجود تمام محاسن آن، که حدود ۳۱ سال از تصویب آن می‌گذرد، هنوز بر سبک و سیاق قبلی بوده و بر نظام قضایی قبل از انقلاب استوار است. نمونه بارز آن استفاده از واژه‌هایی نظیر وزیر عدلیه است که در حال حاضر اختیارات وزیر دادگستری به رئیس قوه قضائیه تفویض شده است. نمونه دیگر

آنکه اکنون در سیستم قضایی ما دادگاه مدنی استان وجود ندارد و دادگاه تجدیدنظر جایگزین آن گردیده است، علی‌ای حال هنگام آن رسیده است که قانون ثبت و دفاتر اسناد رسمی به روز شود و اصطلاحاتی که در نظام حقوقی ما جایگاهی ندارند از قانون حذف گردند. البته همه اینها مشروط است بر اینکه قانونی جامع و کامل با استفاده از متخصصان فن وضع گردد و با هر تغییر و تحولاتی به سادگی دچار تزلزل و دگرگونی نگردد.

۲ - از میان اعضای دادگاه‌های بدوی یک عضو هم از میان کارمندان مطلع می‌باشد که توسط ریاست محترم سازمان ثبت انتخاب می‌شود. اگر در این مسئله دقت بکنیم درمی‌یابیم که این عضو دادگاه در تمامی استان‌ها شخص مدیرکل ثبت می‌باشد، حال، اگر به مسیر جریان آیین دادرسی انتظامی سردفتران دقت کنیم متوجه این امر می‌شویم که پس از بازرسی کلی یا رسیدگی به شکوائیه علیه سردفتران و دفتریاران توسط بازرسان ثبت محل یا استان نهایتاً این شخص مدیرکل ثبت می‌باشد که رسیدگی و اظهارنظر نهایی را برعهده دارد و پس از بلامانع بودن گزارش بازرسی برای کارشناسی و رسیدگی به امور اسناد سازمان ثبت ارسال می‌گردد. بنابراین، این سؤال پیش می‌آید که آیا شخصی که در پرونده یک بار اظهارنظر می‌کند برای بار دوم نیز می‌تواند به همان پرونده رسیدگی و نسبت به آن اظهارنظر نماید؟ این موضوع طبق ماده ۲۰۸ آیین دادرسی مدنی از موارد رد دادرسی می‌باشد.

۳ - ایراد دیگری که بر ماده ۳۶ قانون وارد است آن است که شرط سابقه شغلی لازم برای عضویت در دادگاه انتظامی ۱۵ سال قید شده است، در حالی که در ماده ۱۲ قانون دفاتر اسناد رسمی شرط عضویت در هیأت مدیره کانون حداقل ده سال سابقه شغل سردفتری می‌باشد و از آنجایی که یکی از شرایط عضویت در دادگاه تجدیدنظر انتظامی توسط سردفتران عضویت در هیأت مدیره می‌باشد ناگزیر در این خصوص مقررات دچار تعارض و دوگانگی گردیده است و ممکن است تمامی اعضاء هیأت مدیره و کانون کمتر از ۱۵ سال سابقه شغلی داشته باشند، لذا با توجه به مفاد ماده ۳۶ قانون شرط مدت سابقه

شغلی لازم برای عضویت در دادگاه خواهند بود و در نتیجه دادگاه تجدیدنظر انتظامی تشکیل نخواهد شد زیرا یکی از اعضای دادگاه هیأت مدیره کانون سردفتران می‌باشد و بنابراین یکی از مواردی که نیاز به اصلاح در آن احساس می‌شود همین مورد اخیر می‌باشد.

۴ - همان طور که قبلاً بحث شد دادگاه بدوی در مرکز استان‌ها و تجدیدنظر در تهران است و این مسئله باعث بروز مشکلاتی گردیده از جمله آنکه امکان حضور سردفتر در مقام دفاع از خود و یا پیگیری پرونده به سادگی میسر نمی‌باشد و سردفتر یا دفتریار متحمل هزینه زیاد و سرگردانی می‌گردند. نگارنده معتقد است بهتر آن بود که همانند محاکم دادگستری یا مالیاتی، مراجع تجدیدنظر نیز در استان‌ها تأسیس می‌گردید و با توجه به حجم پرونده‌ها در مرکز (مرجع تجدیدنظر) شورا یا مرجعی مانند شورای عالی مالیاتی تشکیل گردد و پرونده‌ای را که دادگاه تجدیدنظر استان‌ها اظهار نظر نموده و نیز احکام قطعیت یافته این شورا یا مرجع مربوط به این آراء از باب شکلی که مطابق با قوانین و مقررات و رعایت آیین‌نامه می‌باشد، بررسی نماید و در صورت نقض رأی دادگاه تجدیدنظر پرونده جهت بررسی بیشتر به شعبه هم عرض - اگر در آن استان موجود باشد و اگر نباشد به نزدیک‌ترین استان همجوار - ارجاع گردد.

البته این دادگاه‌ها (بدوی و تجدیدنظر) در سال‌های اخیر از لحاظ موقعیت جایگاه مناسب‌تری یافته‌اند که همین مسأله صاحب‌نظران و مسئولین عالی‌رتبه و دانش پژوهان حقوق ثبت را بر آن داشته که از جهت اصلاح و بهبود این مراجع دست به اقدامات مؤثری بزنند.

### منابع و مأخذ:

۱ - قانون ثبت

۲ - مجله کانون شماره‌های ۵۰ الی ۵۲ - نقدی بر آیین دادرسی و دادگاه‌های انتظامی

سردفتران و دفتریاران خسرو عباسی داکانی.